

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین یوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - ۴ نومبر ۲۰۱۵

با تو آفتاب میشوم

در گذرگاه یک شام سرد چلچراغ مهر تو مظهر شادی من شد، آن گاه نزول ستاره ها را
در محوطه خانه ام به تماشا گرفتم.

شبم صاف آرامش گلبرگ لحظه هایم را طراوت بخشید و برق خنده باور روی لبانم
درخشید.

آیا میدانی که چرا تاج زرین خیالاتم تو هستی؟

آیا میدانی مطمئن ترین سخنانی که مرا در تجلیگاه عواطف گرمم به باور میرساند؛ بافته
با ابریشم نویدبخش عبارتها، از زبان تو بود؟

میدانی که چرا عنوان همه افسانه های دلم تو هستی؟

میدانی که در بی تو بودن این زمانه ناشاد تبسم را از من گرفته است؟

باریکه شعر و ترانه ام تنها از وجود تو ذوق پرزدن میگرفت، همه ماجراهای زندگانی از
تو آغاز گردید.

چه شد آن همه وابستگیها؟

آه!

پشت بلندای این دیوار تنهائی، بغض بیقرار انتظار مرا از پا می فکند و مدهوش درد
توانفسرای بیکسیم میسازد.

در غیاب تو شرح حال تا نهایت جنون رسیده است.

پس بیا و ببین که با دیدار تو، آفتاب می‌شوم و از غروب اندوه بر فراز کرانه های افق
طلوع مینمایم!!!

(ناهید "غزل" غنی زاده - ۹ جدی ۱۳۶۰ کابل)